

احمد رضا سرحدی در گفتگو با «همدلی» تبانی‌های پنهان در ساختار کلان مهندسی ساختمان کشور را از زلزله فاجعه‌بار تر می‌بیند

## زلزله فساد در سیستم معیوب ساخت و ساز

«مسکن مهر بی پدر و مادر بود

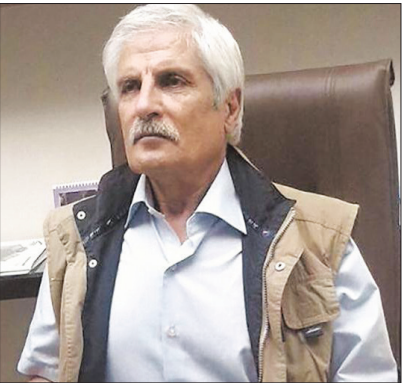
می‌داند. شهرداری نمی‌خواهد که مهندس ناظر مدام به مالک گیر بدهد یا بخواهد کار ساخت و سازش را تعطیل کند. شهرداری می‌خواهد مالک هرطور که دلش می‌خواهد، ساختمانش را بسازد و مشخص است وقتی حضور مهندس ناظر در ساخت و ساز کم‌رنگ می‌شود، تخلفات زیادی انجام می‌شود. اینگونه باز شهرداری با اخذ جریمه از مالک منتفع می‌شود و این سیکل معیوب به شکلی دایره‌وار ادامه می‌یابد. خوب این نظام معیوب و عدم همکاری شهرداری با نظام مهندسی باعث شده که نظام مهندسی مایوس شود. در حال حاضر نظارت‌هایی که در سطح کشور و پایتخت داریم، نظارت‌های صوری است و واقعی نیست و هیچ‌کس برای

نظارت واقعی و مهندسی، اهمیت قائل نیست. نه بساز و بفروش می‌خواهد مهندس ناظر سر کارش باشد و نه شهرداری و متأسفانه نظام مهندسی هم به این وضع عادت کرده است. البته این را هم بگویم که قوانینی که در وزارت راه و شهرسازی مطرح شده و به تصویب رسیده، ناکارآمد است؛ قواعدی است که صوری‌کاری را تقویت می‌کند. به بیانی دیگر، نظام کاغذبازی و بورکراتیک موجود هم باعث بازتولید بیشتر صوری‌کاری و نظارت‌های غیرواقعی شده است. پس می‌بینید ما با سیستمی که در لایه‌های مختلفش ناکارآمد و دچار اختلال است، مواجهیم. و من تلاش می‌کنم این سیستم را تا حد امکان برای شما ترسیم کنم تا بفهمیم که چرا به فاجعه ساخت پروژه مسکن مهر در بخش دولتی و ساخت‌وسازهای غیرفنی در بخش خصوصی رسیده‌ایم. برای مثال در شرایطی که کار ساخت‌وساز خوابیده و شرکت‌های زیادی هم وجود دارند، در آتی به شرکتی گفته می‌شود شما یک میلیون مترمکعب ظرفیت کار دارید؛ مشخص است نوعی رقابت ناسالم بین شرکت‌های ساخت‌وساز شکل می‌گیرد. همین‌طور این رقابت ناسالم بین مهندسان هم ترویج می‌شود. رقابت ناسالم مهندسان یعنی اینکه به میل سازنده و بساز و بفروش، با گرفتن پول کمتری بحث نظارت را هم به شکلی صوری پیش ببرند.

شما یک سیستم معیوب را به خوبی ترسیم کردید. حالا این وضعیت معیوب و این همدستی فراقانونی چند ضلع ساخت‌وساز، مثل شهرداری وزارت راه و شهرسازی و پیمانکار، در نهایت منجر به فاجعه‌ای در ابعاد ملی می‌شود که نمود عینی آن را در پروژه مسکن مهر می‌بینیم. مشخصاً در ارتباط با مسکن مهر و خساراتی که در چند روز گذشته به بار آمده بفرومایید. آنچه من شرح دادم، بیشتر به وضعیت کلی بخش خصوصی در ساخت‌وسازهای شهری برمی‌گردد. حالا از این زیاتر، به مسکن مهر می‌رسیم. مسکن مهر همین نظارت صوری را که درباره بخش خصوصی گفتیم هم نداشته است. ببینید عمق این فاجعه تا کجا بوده که سازمان نظام مهندسی می‌گوید به مسکن مهر نظارتی نداشته است. همین مجری اسمی را هم نداشته است. سازنده بساز و بفروش بخش بخش خصوصی برای اینکه بتواند ساخت‌و‌سازش را راحت‌تر و با پول بیشتری بفروشد، بالأخره سعی می‌کند استانداردها را هرچند اندک، رعایت کند. مسکن مهر این کمترین اقدام را هم ندارد. یعنی کمترین اصول اخلاقی و وجدانی هم رعایت نشده است. مسکن مهر یک مسکن بی‌پدر و مادری بوده که هیچ

سیکلی معیوب بوده‌ایم. سه عامل مهم در بخش ساخت‌وساز وجود دارد، نظارت، اجرا و مصالح است. از تیرچه و ستون تا آهن و... همه باید استاندارد باشند. خوب می‌دانیم هیچ کنترلی بر استاندارد مصالح وجود ندارد. من به شما عرض می‌کنم که نه در تولید بتن کنترلی وجود دارد نه در تولید آهن نظارتی هست؛ ما آهنی وارد می‌کنیم که با چکش می‌شکنند. خوب این مصالح بدون هیچ کنترلی در انبوهی از ساختمان‌های شهری و روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مابقی مصالح دیگر هم هیچ‌گونه استاندارد مشخص و قابل قبولی ندارند. بعد از آن به اجرا کننده می‌رسیم. بر فرض اینکه مصالح استاندارد به دست پیمانکاران می‌رسد، آن‌ها باید اجرائی مناسب داشته باشند. فاجعه اینجا است که ما مجری دارای صلاحیت نداریم. این را براساس واقعیت موجود به شما می‌گویم. ۹۰ تا ۹۵ درصد از ساختمان‌های پایتخت، بدون مجری ذیصلاح در حال ساخت است. مجری ذیصلاح یعنی کسی که صلاحیت ساخت‌وساز داشته باشد. ما فقط با بساز و بفروشی یا به بیان عامیانه «بساز و بندازی» مواجهیم.

یک روز پس از آنکه معاون اول رئیس‌جمهور ایران بیشترین خانه‌های قربانی زلزله اخیر را متعلق به مسکن مهر دانست، رئیس سازمان نظام مهندسی ایران خبر داد که این سازمان «هیج نظارتی» بر ساخت این پروژه نداشته است. در این باره بفرومایید؟



نقص‌هایم در بخش‌های زیربنایی و زیرساختی کشور کرد. بفرومایید چرا در ۴۰ سال گذشته دست به صنعتی‌سازی در بخش ساخت‌وساز ندهدیم؟

آنچه ما شاهدش هستیم، کم‌توجهی مسئولان به مسئله سلامت و مقاومت ساختمان‌ها و ایمنی آن‌ها است. سال‌های سال است که کارشناسان همدل می‌دهند که ساختمان‌ها را با ایمنی بالا بسازیم اما کدام

گوش شنوا؟ سنال ۶۸ که زلزله رودبار آمد، از آن موقع که آیین‌نامه ۲۸۰۰ در راستای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها تصویب شد، در ابتدا یک‌سری کارهای اصولی انجام شد ولی مانند سایر برنامه‌ها را شد. اگر از آن موقع تاکنون، ساختمان‌ها را براساس آیین‌نامه‌های دارای پشتوانه فنی و کار کارشناسی مثل آیین‌نامه‌های مربوط به زلزله و آیین‌نامه ۲۸۰۰ بنا می‌کردیم، یعنی دست به صنعتی‌سازی در حوزه ساختمان می‌زدیم، در حال حاضر با این ابعاد از فاجعه مواجه نمی‌شویم. شاید ۸۰ درصد از ساختمان‌ها ما در مقابل زلزله مقاوم بودند ولی باید بپذیریم که کوتاهی شده است.

از علل و ریشه‌های این سهل‌انگاری بگویید. قانون نظام مهندسی در سال ۱۳۷۴ تصویب و ابلاغ شد. از آن سال الزام شد که تمام ساخت‌وسازهای شهری باید تمام قواعد ملی ساختمان را رعایت کرده و بایستی سازندگان دارای صلاحیت فنی باشند، کارگران باید ظرف ۱۰ سال باید تماماً مهارت فنی و آگاهی پیدا کرده و کارت مهارت فنی اخذ می‌کردند. مصالح باید استاندارد قابل قبول می‌بود. همه این مسائل بر روی کاغذ ذکر شده اما در عمل شاهد پروسه و



شهرداری که قوانین را به فروش گذاشته است، باید جلوی این‌ها را گرفت. بسیاری از برج‌های تهران از شمال‌غرب گرفته تا شرق، روی گسل زلزله قرار دارند. از سعادت‌آباد بگیر تا اقدسیه و... بعد تراژیک ماجرا آنجا است که متولیان می‌دانستند این برج‌های گران‌قیمت، قرار است روی گسل ساخته شوند. بلوچود اینکه ممنوع بوده اما شهرداری برای سودجویی بیشتر اجازت ساخت داده است. شما می‌گویید چه باید کرد؟ ساختمان را که نمی‌شود تخریب کرد. میلیارد میلیارد قیمت این ساختمان‌هاست. در حال حاضر ۲۰۰ سال از آخرین زلزله تهران می‌گذرد و هر چه از زمان آخرین زلزله بگذرد، پتانسیل زلزله جدید بیشتر می‌شود. از این نظر، زلزله تهران اگر اتفاق بیفتد، مطمئناً بالای هفت ریشتر خواهد بود. گسل‌های تهران مثل نارنجک‌هایی هستند که هرآن ممکن است ضامن‌هایشان کشیده و انفجاری بزرگ ایجاد کنند. در چنین شرایطی با حجمی عظیم از ویرانی و تباهی مواجه خواهیم شد. می‌خواهم بگویم هر چند شاید در دیده باشد، همان‌طور که کارشناسان غربی هم در پژوهشی درباره تهران اعلام کردند که دیگر نمی‌توان برای تهران کاری انجام داد، اما به نظر من کورس‌هایی از امید وجود دارد. اگر اراده‌ای برای تغییر در بین مسئولان وجود داشته باشد.

مشخصاً باید چه اقدامی صورت گیرد؟

در وهله اول از همین امروز دولت و شهرداری، با بازتعریف مجدد قوانین و برطرف کردن خلأهای قانونی جلوی بساز و بفروشی‌های تماماً سودجویانه را بگیرند. این نیازمند این است که ورای منافع حزبی و گروهی و سازمانی به منافع ملی بیندیشیم.

باید این وضعیت معیوب، این سیکل ناقص و فسادناگیز متوقف شود. از طرفی باید تهران را تا حدود زیادی سبک کرد. ببینید اگر در تهران زلزله بیاید، فاجعه تنها در میزان تخریب زلزله نیست؛ بلکه شرایط بعد از آن است. اگر خدایی ناکرده زلزله بیاید، به نظر من هر کس در دم فوت کند، نفع کرده است.

چراکه اگر زنده بماند، با حجم عظیمی از آتش‌سوزی و آوارهای ده‌طبقه فرو ریخته، در کوچه‌های پاریک، فاضلاب روماند و... مواجه خواهد شد که تباهنده جسم و روح است. شما حساب کنید آواربرداری به چه مدت طول کشید؟ ساختمان پلاسکو در تهران فرو ریخت و آواربرداریش دو هفته به طول انجامید. حالا شما حساب کنید خیابان‌ها تخریب شود، کوجه‌ها بسته شود و... حتی تصورش هم وحشتناک است.

متولی‌ای نداشته است. و اینگونه شد که یک عده آدم‌های بی‌انصاف و فرصت‌طلب، با استفاده از بنجل‌ترین مصالح برای ارزان کردن قیمت نهایی مسکن، و با استفاده از نیروی انسانی ناکارآمد و فاقد شناخت و بی‌هیج نظارتی، ساختمان‌هایی را ساختند که به نام مسکن مهر می‌شناسیم. ابعاد فاجعه‌آمیز بودن این طرح فراتر از این حرف‌هاست که در این گفتگو مجالش نیست. تنها اینکه ساخت این مسکن‌ها و حرف‌های حماسی متولیان مسکن مهر، یک وضعیت گروتسک را ایجاد کرده که هم ترازندی و هم مضحک است. مثلاً یکی از مسئولان وقت گفته بود این مسکن‌ها در برابر هشت ریشتر زمین‌لرزه مقاومت دارند. برای فرو ریختن این شبه‌مسکن‌ها اصلاً نیازی به زلزله نیست. الان در همین ۲۰ کیلومتری شهر تهران در پیشروی راین، ۴هزار و ۷۰۰ واحد مسکن مهر ساخته شد. بی‌آنکه زلزله‌ای بیاید، بادی بوزد یا طوفانی بیاید، در زمین فرو رفته است. یکی می‌گوید این نشست به دلیل فاضلاب است، دیگری می‌گوید به علت اینکه خاکش را درست آزمایش نکردند، دیگری می‌گوید نشست زمین است. مصالحین نامناسب بوده ولی آنچه در نهایت وجود دارد، اینکه ۴هزار خانواری که در این خانه‌های قوطی‌کبری زندگی می‌کنند، الان آواره شده و ساختمان‌هایشان بدون اینکه یک ریشتر زلزله در کار باشد، کج شده و احتمال فروری‌زی دارند.

نهادهای مرجع لرزه‌نگاری بین‌المللی هشدار داده‌اند که ایران به خاطر قرار داشتن روی گسل‌های فراوان، امکان دارد در معرض زلزله‌های بزرگ دیگری قرار دارد. از سویی با چنین وضعیت وخیم زیرساختی در حوزه مسکن و سایر بخش‌ها که شما بیان کردید، مواجهیم. این اتفاق اگر در تهران بیفتد، بی‌تردید فاجعه‌ای بزرگ اتفاق خواهد افتاد. در چنین وضعیتی نمی‌توان به گذشته برگشت. آیا راهکاری برای کنترل این بحران پیش از وقوع فاجعه‌ای در ابعاد عظیم‌تر، مثلاً در کلان‌شهرها، وجود دارد؟

فکر می‌کنم استفاده از ضرب‌المثل معروف «جلوی ضرر را از هر جایی بگیري منفعت است» که در اینجا کاربرد داشته باشد. درست است، نمی‌توان مقربه‌های ساعت را به عقب برگرداند، به زمانی که آن آیین‌نامه مهم تصویب شد ولی می‌توان جلوی سودجویی را در بخش مسکن گرفت. یکی از ریشه‌های اصلی وقوع چنین بحران‌هایی در سطح کلان سودجویی در حوزه ساخت‌وساز است. سودجویی بساز و بفروش‌ها، سودجویی

مدیرعامل بانک صنعت و معدن در مجمع عمومی سالیانه بانک:

## ۱۹ درصد از سهم بازار اعطای تسهیلات در اختیار بانک صنعت و معدن است

پورمحمدی درخواست می‌کنیم با توجه به تجربیاتی که در نظام بانکی کشور نیز دارند در خصوص مسئله افزایش سرمایه بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای رویکرد جدی‌تری داشته باشند. شریعتمداری اظهار کرد: مسئله مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، مسئله نوسازی واحدهای صنعتی است و باید بررسی شود که آیا بانک‌ها به اعطای تسهیلات برای نوسازی ماشین‌آلات فرسوده و واحدهای تولیدی می‌پردازند یا خیر، و این اقدام اگر صورت می‌گیرد آیا تولیدات آن واحد تولیدی جایگزین واردات می‌شود یا برای صادرات نیز سرمایه‌گذاری خواهد شد. وی خاطر نشان کرد: توجه به موضوع معدن که بسیار در کشور نادیده گرفته شده است، باید مورد پیگیری قرار گیرد؛ چراکه با توجه به ظرفیت‌های زیادی که کشور در بخش معدن دارد، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی عنوان داشت: با حمایت‌های وزیر اقتصاد برای اولین بار یک نقشه راه چهار ساله برای توسعه معدنی کشور طراحی کرده‌ایم که ابعاد گسترده‌ای دارد و بانک صنعت و معدن نیز می‌بایست توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته باشد. وی افزود: تامین مالی بخش معادن بسیار اهمیت دارد. مرحله ابتدایی فعالیت معادن موضوع انکشاف است اما متأسفانه در حال حاضر ابزارهای انکشاف بسیار مستهلک می‌باشند که باید با تامین مالی این ابزارها را نوسازی کنیم.

پورمحمدی در ادامه خاطر نشان کرد: بانک صنعت و معدن یک بانک چابک، منضبط و مؤثر است. این بانک با تعداد شعب محدود و با وجود نیم درصد پرسنل نظام بانکی عملکرد بسیار پرفروغی دارد که قابل مقایسه با بسیاری از بانک‌های بزرگ کشور نیست. وی افزود: بانک‌های کشور با حجم وسیعی طلبکار دولت و بدحکام به بانک مرکزی هستند اما خوشبختانه بانک صنعت و معدن رقم قابل توجهی از دولت طلب نداشته است و تقریباً هیچ اضافه برداشتی از بانک مرکزی نیز ندارد و این نشان‌دهنده انضباط مالی بانک صنعت و معدن است.

عنوان یکی از عملکردهای مثبت بانک صنعت و معدن به آن اشاره کرد و گفت: بانک صنعت و معدن در ایجاد روابط کارگزار و استفاده از امکانات بین‌المللی در تامین مالی طرح‌های صنعتی کشور خوب عمل کرده است. پس از سخنان کرباسیان، در ادامه روند برگزاری مجمع، شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت خاطر نشان کرد: در ابتدا گزارشی عملکرد بسیار خوبی که توسط مدیرعامل و هیئت مدیره بانک صنعت و معدن ارائه شد، کمال تشکر دارم. خوشبختانه این بانک به عنوان بانک توسعه‌ای با حضور مدیریت مهندس افخمی روند رو به رشدی داشته است. وی افزود: این گزارش نشان دهنده افزایش دو برابری اعطای تسهیلات است. همچنین افزایش درآمد‌های ارزی با برداشته شدن تحریم‌ها شرایط مطلوب‌تری را برای تامین مالی ارزی ایجاد کرده است. وزیر صنعت خاطر نشان کرد: بانک صنعت و معدن در هدایت و حمایت صنایع بزرگ نیز اقداماتی را انجام داد و باید توجه داشت کوچک شدن اقتصاد کشور به صلاح نیست و باید در بخش‌های نفت، گاز، انرژی و معدن در کشور از شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده و حمایت شود و این ظرفیت‌ها در کشور نشان‌دهنده این است که اقتصاد ایران باید توسط تصمیم‌گیری بزرگ وسعت پیدا کند.

شریعتمداری گفت: اقتصاد ایران بسیار به نظام بانکی متصل است و ما اگر بخواهیم ظرفیت‌های دیگری را مانند دانش‌بنیان‌ها تقویت کنیم و تا حدی تمرکز اقتصاد ایران را از نظام بانکی برداریم، مهم‌ترین عضو در نظام بانکی، یعنی بانک صنعت و معدن است؛ چراکه می‌تواند نقش سازنده‌ای در حمایت از دانش‌بنیان‌ها داشته باشد. وی در خصوص افزایش سرمایه افزود: افزایش سرمایه شش درصدی بانک صنعت و معدن توسط بانک مرکزی پیشنهاد می‌شد که با شرایط مطلوب بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای دنیا بسیار عقب هستیم و از آقای

طرح‌های صنعتی و آب پرداخته شده است که اگر بتوانید بخش خصوصی را نیز در بحث فاینانس مشارکت دهید، آن‌ها نیز می‌توانند در جهت رونق صنعت کمک‌کننده باشند و بسیار مطلوب است.

کرباسیان در خصوص نوسازی صنایع عنوان داشت: در رشد هشت درصدی سالیانه برنامه ششم ۲۱۷ از بحث افزایش بهره‌وری است؛ بدین معنی که نیاز به نقدینگی، نوسازی، پرکردن ظرفیت‌های خالی و استفاده از زمین‌های صادرات احساس می‌شود که باید در برنامه‌های راهبردی لحاظ شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: در زمینه معادن باید سیاست‌های وزارت صنعت را دنبال کنیم و وزارت نفت بخش‌های انکشاف، بهره‌برداری و نگهداری جمع شدند و اقدام پسندیده‌ای بود. اگر امکان این اقدام در بخش معدن هم وجود داشته باشد، خالی از لطف نیست. کرباسیان افزود: از محورهای مهمی که در بودجه کشور وجود دارد اشتغال، دانش‌بنیان‌ها، پروژه‌های زیست‌محیطی و اصلاح ساختار در بخش‌های انرژی، پارانه و صندوق بازسنجستی است که سه بخش اول مرتبط با حوزه فعالیت بانک صنعت و معدن است و خواش بنده این است که به این حوزه‌ها بیشتر توجه شود. وی افزایش سرمایه بانک صنعت و معدن را در راستای تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای کشور حائز اهمیت شمرد و در این خصوص خواستار همراهی بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه شد. این وزیر اقتصادی، عملکرد بانک صنعت و معدن را در حوزه معدن مثبت ارزیابی کرده و خاطر نشان ساخت که این بانک باید بیش از گذشته به معدن و صنایع معدنی توجه کند. کرباسیان ضمن اشاره به این که عملکرد بانک صنعت و معدن در طرح رونق تولید قابل ملاحظه بوده است، ورود به طرح‌های دانش‌بنیان را از زمینه‌هایی دانست که ورود این بانک به آن می‌تواند نتایج خوبی به دنبال داشته باشد.

گسترش روابط بانکی در عرصه بین‌الملل از دیگر مواردی بود که کرباسیان به

مدیرعامل بانک صنعت و معدن صبح امروز در مجمع عمومی سالیانه این بانک گفت: در بین بانک‌های کشور ۱۹ درصد از سهم بازار در اعطای تسهیلات متعلق به بانک صنعت و معدن است.

افخمی همچنین افزود: بانک صنعت و معدن در سال ۱۳۹۵ معادل ۹۰۰ میلیارد تومان به طرح‌های صنعتی و معدنی تسهیلات پرداخت کرده که نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش داشته است. وی خاطر نشان ساخت: سرمایه بانک در پایان سال ۸۵، مبلغ ۳۳۰ میلیارد تومان بوده است و از محل افزایش سرمایه که در سال ۸۶، مبلغ ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به بانک اختصاص داده شد، سرمایه بانک به ۲۰۷۰ میلیارد تومان رسید و همچنین در سال ۹۵ جمعاً ۴ هزار میلیارد تومان شد. مدیرعامل بانک صنعت و معدن خاطر نشان کرد: سرمایه بانک صنعت و معدن تا پایان سال ۹۵ به ۶ هزار میلیارد تومان رسیده است که این رقم در مقایسه با بانک‌های توسعه‌ای جهان در سطح پایینی قرار دارد. پس از سخنان مدیرعامل بانک صنعت و معدن در ادامه روند برگزاری مجمع، کرباسیان، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در ادامه گفت: بانک صنعت و معدن یک بانک توسعه‌ای و تخصصی است که انتظار می‌رود در رونق بخش صنعت، معدن و تجارت اقدامات مهمی را به انجام برساند. البته برای رونق این بخش‌ها نباید بانک صنعت و معدن تنها باشد بلکه صندوق ضمانت‌صادرات، بانک توسعه صادرات و مدیریت صنعتی هم می‌بایست حمایت و کمک‌هایشان را در بر بگیرند. وی افزود: در بحث صنایع کوچک و متوسط که در ابتدا قرار بود بانک توسعه تعاون حمایت‌های لازم را از این بخش داشته باشد و باید این موضوع در زمان مشخص مورد بررسی قرار گیرد، از طرفی بانک ایران و اروپا با توجه به شرایط پسا برجام می‌تواند به عنوان یک بانک قدرتمند عمل کند. وی افزود: در بحث فاینانس نیز که حدود ۳۰ میلیارد دلار است، بیشتر به دو بخش